



سفره مردم میزان الحارره عملکرد دولت‌هاست

صفحهٔ ۲



پرورنده فطور رابرت مالی

صفحهٔ ۱۱

# حاکمیت حق مردم است

# مردم سالاراری

چهارشنبه ۴ مهر ۱۴۰۳ - ۲۱ ربیع الاول ۱۴۴۶ - ۲۵ سپتامبر ۲۰۲۴ - سال بیست و سوم - شماره ۶۲۶۰ - ۱۲ صفحه - ۱۰۰۰۰ تومان

«مردم سالاری» سفر رئیس جمهوری به نیویورک را بررسی می‌کند

# صف رهبران جهان برای دیدار با پزشکیان

صفحهٔ ۲

## عدالت آموزشی در ایران از سراب تا واقعیت

بررسی آخرین گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس از وضعیت عدالت آموزشی در ایران نشان می‌دهد بیشتر امکانات آموزشی کشور در دسترس دهک‌های ثروتمند جامعه بوده و دهک‌های کم‌درآمد نصیب کمتری از آن برده‌اند. مرکز پژوهش‌های مجلس در یکی از تازه‌ترین گزارش‌های خود وضعیت عدالت آموزشی در ایران را مورد بررسی قرار داده است. بر اساس این گزارش دهک‌های بالا نسبت به دهک‌های پایین از وضعیت آموزشی بهتری برخوردارند و…

صفحهٔ ۴

## بورس در حال خروج از رکود

کارشناس بازار سرمایه با اعلام اینکه بورس در حال خروج از رکود است، گفت: با توجه به عبور از بخشی از تکرانه‌های سیاسی و منطقه‌ای، بازار سرمایه کف‌سازی خوبی را در طول هفته‌های گذشته داشته است و می‌توان در ماه‌های آینده شاهد رشدی منطقی بود.
نیما میرزایی روز سه‌شنبه با تحلیل روند بازار سرمایه در ماه‌های اخیر افزود: بازار سرمایه پس از یک رشد پیاپی که از سال ۹۷ تجربه کرد، برای مدتی وارد دورهای از رکود و…

صفحهٔ ۷

## مکانیسم ماشه غرب و راهکار حل مسأله برجام

**گروه دیپلماسی - امین جمشیدزاده:** برنامه جامع اقدام مشترک «برجام» در تاریخ ۲۳ تیر ۱۳۹۴ (۱۴ ژوئیه ۲۰۱۵ میلادی) در وین اتریش، توافق بین‌المللی بود که بر سر برنامه هسته‌ای ایران بین کشورهای ا۵+۱ منعقد و امضا شد ولی دونالد ترامپ رئیس جمهور سابق آمریکا در…

صفحهٔ ۱۰

### سر مقاله

### دیالکتیک جامعه دو قطبی و وفاق ملی

جهانگیر محمودی نژادیان

قسمت اول

اما در جریان دوم خرداد، که در آن اسباب پیروزی حجت‌الاسلام خاتمی به وجود آمد، جریان خالص‌ساز کوشید تا به طور کلی بساط جمهوری اسلامی را جمع کند و مانند روزهای اول انقلاب، دوباره به طرح حکومت اسلامی بپردازد. اما مقام معظم رهبری تاکنون ضمن مدارا و محترم دانستن آنان و کوشش برای زیا شدن دیالکتیک میان جریان خالص‌ساز و جریان مترقی ولایت مطلقه فقیه، و اجتناب از خطر آن که بخش معظمی از حوزه دین و دینداران را در کنترل دارند، با زیرکی تمام اجازه نداد که آنها به نتیجه دلخواه برسند، هرچند که البته زبان‌هایی از ناحیه جریان مزبور بر پیکره نظام مدرن اسلامی وارد شد. البته می‌توان گفت که این دیالکتیک بسیار مهم است و اصلاحات و کوشش‌های لازم برای نیل به این هدف بسیار ضروری است. اما راه حل آن مقابله مستقیم بااین جریان نیست. بلکه راه حل همراه نمودن و همسو کردن همه جریانات در حمایت از دولت مدرن اسلامی و به انزوا کشاندن آنان است.

اکنون فرصت لازم به وجود آمده است. زیرا در حال حاضر تلاش رهبری معطوف به اصلاح ویرانی‌هایی است که این جریان در کشور به نام دین و ایمان ایجاد نموده، یعنی هدف مهم رهبری در حال حاضر خروج از وضعیت دو قطبی که جامعه را به شرایط خطرناکی رسانده و البته جریان خالص‌ساز در سطوح داخلی و بین‌المللی یکی از عوامل اصلی آن بوده است. اینکه می‌گویم نظر رهبری حل مشکل دوقطبی شدن جامعه است نشانه‌هایی دارد و مهم‌ترین نشانه آن هموار نمودن پیروزی دکتر پزشکیان است. زیرا پزشکیان با شعار وفاق ملی و اندیشه‌ای ریشه گرفته از دولت مدرن به میدان آمده و برخلاف بعضی برخی که وی را عامل حل مشکل تحریم‌ها با آمریکا معرفی نموده‌اند بیشتر باید گفت که عامل وفاق ملی است. زیرا معلوم نیست که شرایطی در سال‌های آینده و نزدیک برای حل مشکل تحریم‌ها از طریق گفت‌وگو با آمریکا به وجود آید. از این‌رو فرصت مغتنمی به وجود آمده و روشنفکران، خصوصا اصلاح‌طلبان باید از آن استفاده نمایند و در این فرصت برای مزوی کردن جریان خالص‌ساز سلفی نهایت سعی و کوشش را بنمایند. از دست رفتن این فرصت بزرگ اسباب اندوه را فراهم خواهد نمود، لذا باید نهایت تلاش برای حل این معضل مهم صورت پذیرد. اکنون بسیاری از کارشناسان به روشنی بیان می‌کنند که ایران به یک جامعه دوقطبی با شکاف‌های متراکم تبدیل شده، لذا مهم‌ترین وظیفه دولت پزشکیان اینست که خروج از وضعیت دو قطبی را هدف اصلی خویش قرار داده و وفاق ملی را براین پایه شکل دهد. روشن است که این وفاق ملی بدون به میدان آوردن جریانات دگراندیش و همچنین اديسان، مذاهب و قومیت‌ها غیر ممکن است. زیرا که دو قطبی مزبور، ملت ایران و کارکرد دولت مدرن را دچار بحران‌ها و گرفتاری‌های عدیده نموده و پیامدهای بعدی آن بسیار ویرانگر تر است. اما برخی از دوستان اصلاح‌طلب

بدون توجه به دیالکتیک پنهان و گاه اندکی آشکار میان جریان خالص‌ساز سلفی و جریان مترقی پیرو اصل ولایت مطلقه فقیه و مصلحت نظام که دولت مسدور را دنبال می‌کند، با این تصور که همه اعمال ارتجاعی که ظاهرا از جانب حاکمیت بروز می‌یابد از سوی مقام معظم رهبری و پیروان مترقی ولایت مطلقه فقیه است، اساس را برمقالبه با این اصل مترقی و همچنین شورای نگهبان و مصلحت نظام و سپاه پاسداران گذارده که همگی مبنای ضروری حفظ ایران ومانع اصلی ویرانی کشور هستند.

یعنی این اصول پایه و مایه تنها دولت مدرنی است که در ایران قابل اجراست و در این نوشتار به بیان آن خواهم پرداخت. اصلاح‌طلبان باید به درک درست از مشکل اصلی خود که عدم ترقی ولایت مطلقه فقیه و درخواست پنهان است و همچنین ضرورت‌های مدرنی کردن جریان خالص‌ساز ارتجاعی را که مشکلات عدیده‌ای یعنی این اصول پایه و مایه تنها دولت مدرنی است که در ایران قابل اجراست و در این نوشتار به بیان آن خواهم پرداخت. اصلاح‌طلبان باید به درک درست از مشکل اصلی خود که عدم ترقی ولایت مطلقه فقیه و درخواست پنهان است و همچنین ضرورت‌های مدرنی کردن جریان خالص‌ساز ارتجاعی را که مشکلات عدیده‌ای یعنی این اصول پایه و ویژه روشنفکران را به این معنا و حقیقت جلب نمایند. در این صورت خواهند توانست با توان بیشتری از طرق روش‌های دموکراتیک و سیاست‌ها و ترفندهای لازم امکان مزوی کردن جریان خالص‌ساز ارتجاعی را که مشکلات عدیده‌ای برای اصلاح‌طلبان و دولت مدرن و کشور ایران فراهم کرده ایجاد کنند. البته گام دیگر، تعمیق ارزش‌های اسلامی است تا پنهان لازم را از جریان ارتجاعی بگیرد، زیرا تردیدی نیست که باید به عقاید و باورهای بخش بزرگی از جامعه اعتقاد داشت. خصوصا اینکه در این نوشتار اثبات خواهم کرد که تعمیق ارزش‌های دینی چه نقش بزرگی در تدوین و تداوم دولت مدرن ایران و شکل‌گیری ناسیونالیسم آن دارد و چگونه می‌تواند در ابعاد گوناگون زمینه‌های ثبات، امنیت، حفظ تمامیت ارضی و ملی، توسعه پایدار و ترقی ایران را (البته در چارچوب اجرای صحیح و کامل دولت مدرن) فراهم کند که بدون آن هیچ روش دیگری برای ایران نه امکان دارد و نه مفید است. در نوشتار پیش‌رو کوشش نگارنده بر این پایه استوار است که با مردم مخالف یا بی‌تفاوت و ایضا روشنفکران اپوزیسیون و دگراندیش و همچنین بخش مهمی از اصلاح‌طلبان سخن بگوید. برای اینکار بحث را با این پرسش آغاز می‌کنم که چرا نباید جهت‌گیری‌های ما به سوی تغییر نظام باشد و چرا سقوط نظام جمهوری اسلامی خصوصا با روش انقلاب کردن غیر ممکن است و همچنین جمهوری اسلامی تنها نظامی است که می‌تواند دولت مدرن را در ایران پیاده کند و البته با همراهی مردم می‌تواند بحران‌های گوناگون را از سرگذرانده و راه ترقی همه جانبه را بپوید.

**هوشمندی جمهوری اسلامی**

بنابراین در اینجا به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آیا جمهوری اسلامی قابل سقوط و شکست است یا خیر، تا در نتیجه ببینیم می‌توان نظامی چون جمهوری سکولار بر پایه لیبرال دموکراسی یا بازگشت به نظام شاهنشاهی باستانگرا بر پایه قومیت‌گرایی آریایی یا هر نسوع حکومت دیگر را جایگزین نمود، یا خیر امکان آن خصوصا از طریق انقلاب وجود ندارد. به عبارت

روشن‌تر باید به این سوال پاسخ داد که آیا می‌توانیم با تظاهرات و راهپیمایی و اعتراض مانند کاری که در دوره انقلاب اسلامی سال ۵۷ انجام شد و با برنامه‌هایی چون زن، زندگی، آزادی (و صرف نظر از اختلافات شرعی درباره آن) رژیم را عوض کنیم یا اینکه ممکن نیست و از این طریق وقت خویش و جامعه را تلف کرده و هزینه‌هایی از جمله تحریم بیشتر و فقر و دشمنی میان مردم و فراهم کردن اسباب جنگ و تخریب داخلی که نتیجه‌ای جز ضرر زدن بسه مردم دربی ندارد و البته زمینه‌های تجزیه کشور را نیز فراهم می‌نماید، بر خود و مردم و کشور ایران تحمیل خواهیم کرد. عدم پاسخگویی به این سوال و عدم بررسی دقیق امکان یا عدم امکان ساقط نمودن جمهوری اسلامی، اسباب اقداماتی را فراهم می‌کند که به جای همگرایی و تلاش برای حل دیالکتیک‌های یمن و گروه‌های دیگر پاکستانی و افغانی وغیره امکان شکست به عقیسم ایرانی روی به افزایش تضادها و تخریب‌ها و عقیم‌تر کردن دیالکتیک‌ها بیاورند. به عقیده نگارنده با بررسی‌های دقیق روشن خواهد شد که نظام جمهوری اسلامی شکست‌ناپذیر است. البته

اسما از طریق انقلاب چطور؟ آیا بسا توجه به اینکه نظام جمهوری ارتشی (که هیچ شایهتی به ارتش شاهنشاهی ندارد) و وجود سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج و سازمان‌های گوناگون آن، از جمله سپاه قدس، حزب الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن و گروه‌های دیگر پاکستانی و افغانی وغیره امکان شکست به ویژه از طریق انقلاب، در آن وجود ندارد. زیرا اگر نظامی را بخواهیم ساقط کنیم باید بتوانیم در آن کودتایی (توسط نیروهای نظامی) انجام دهیم یا اینکه آن را از طریق جنگ خارجی نابود نماییم. لذا می‌دهد که امکان ساقط کردن نظام فوق در نظام جمهوری اسلامی، نه امکان کودتا وجود دارد و نه در آن امکان شکست و سلطه نظامی است. زیرکی مقام معظم رهبری نیز به حدی است که امکان ایجاد جنگی که نهایت آن شکست است را فراهم نمی‌کند. برای مثال اجازه نداد که امثال جلیلی جنگ طلب به ریاست جمهوری برسند.

ترویج اندیشه‌های ضد دینی به این هدف مهم دست یافت و در نتیجه نظام سلطنتی را باز گرداند یا نظام جمهوری سکولار از نوع ملی یا فدرال را در کشور بنا نهد. اما باید گفت که چنین تصویری بسیار ساده لوحانه و خوش باورانه است. زیرا شرایطی که در انقلاب اسلامی به وجود آمد به ویژه بی‌طرفی ارتش و شکست طرح کودتای آمریکایی در سال ۵۷ امکان تجدید ندارد. به واقع

اگر ارتش اعلام بی‌طرفی نمی‌کرد و محکم و استوار در برابر انقلاب اسلامی می‌ایستاد امکان شکست طرح آمریکا وجود نداشت. لذا در این پیوند برای درک درست موضوع، باید به چند نکته اشاره نمود که اسباب پیروزی انقلاب و شکست طرح آمریکا و رفتن شاه را ایجاد و رقم زد. فہم درست آن شرایط، به ما می‌فهماند که امکان تکرار آن دیگر وجود ندارد.

۱) رژیم پهلوی صدرصد به آمریکا وابسته بود، خصوصا پس از کودتای ۱۳۳۲ توسط آن ابر قدرت به عنوان ولی نعمت ششاه که او را مجددا به قدرت بازگردانده بود، چنین وابستگی را ایجاد می‌کرد. خطرانی چون نفوذ شوروی‌ها که مایل به ادامه حکومت شاه نبودند یا مذهبی‌ها که دل خوشی از رژیم پهلوی نداشتند نیز مزید بر علت بود. لذا آمریکا در همه ارکان ایران خصوصا ارتش حضور و نفوذ فراوانی داشت و اجرای طرح کودتای آمریکا در آن زمان (یعنی سال ۵۷) تا اندازه زیادی بانوجه به ابعاد محاسبه شده ممکن بود که به نتیجه برسد. خصوصا آنکه آمریکا قبل‌ا در کودتای ۱۳۳۲ علیه دولت مصدق شرکت کرده بود، و تجربه کافی در این زمینه وجود داشت.

۲) آمریکا در زمان کارتر تر خواهان اجرایی رژیم جمهوری سکولار ولبرال دموکراسی در ایران بود تا وجهه خوش را به عنوان مدافع آزادی در اقرار خویش بپهود بخشیده و حکومت‌های سرکوبگر (مانند رژیم پهلوی) را برکنار نماید و البته به دلایلی که بعدا توضیح خواهم داد به واسطه جمهوری سکولار می‌توانست زمین‌های تجزیه برای آبندهای نامعلوم در ایران را به وجود آورد. لذا از آغاز در بی کودتایی بود که بتواند بسا آوردن افرادی چون بختیار، نظام جمهوری سکولار ایرانی را برقرار سازد. این هدف با توجه به سابقه محبوسیت دولت مصدق ونوع عملکرد آن که برپایه نوعی دموکراسی سکولاربود می‌توانست جاذبه داشته باشد. با این تفاوت که دولت مصدق وابسته به آمریکا نبود اما بختیار سرتا پا وابستگی داشت.

۳) آمریکا برای نیل به این هدف چند اقدام را پیگیری نمود. نخست به شاه دستور داد تا فضای باز سیاسی اعلام کند تا زمینه‌های انتقاد نسبت به عملکرد رژیم از طریق بیان و عمل و راهپیمایی و غیره فراهم شود. آمریکا با فریب القاء کرد که هدفش فقط تغییرات منسوب در رژیم پهلوی است و قصد سرنگونی آن را ندارد. ولی فضای باز سیاسی برای ساقط نمودن رژیم کفایت نمی‌کرد. از این‌رو برای تشدید انتقادات و اعتراضات و زمینه‌سازی برای تغییررژیم و کودتا با عنایت به توانایی نیروی مذهبی، دستور داد تا مقاله موهن کذایی را علیه امام خمینی(ره) در روزنامه اطلاعات منتشر کنند. روشن بود که اجتماع فضای باز سیاسی از یکسو و از سوی دیگر تحریک نیروی مذهبی نتیجه‌ای جز جرقه زدن به انبار باروت کشور نداشت.

امریکا برای شعله‌ور کردن اوضاع به شاه دستور داد که به جای مدارا، مردم را سرکوب نموده و به خاک و خون بکشد، تا بدینوسيله از یکسو نفرت مردم نسبت به رژیم گسترش یافته و از سوی دیگر ارتش در برابر ملت قرار گرفته و به این خونریزی آوده شود که در نتیجه هرگونه وابستگی ارتش نسبت به مردم و دین از بین رفته و به ناچار کاملا مطیع آمریکا باشد.

**جناب آقای محسن روشن ضمیر**

رئیس محترم هیات بسکتبال استان خوزستان

انتخاب شایسته و بایسته جنابعالی به سمت **رئیس هیات بسکتبالی استان خوزستان** که نشان از تعهد و تجارب ارزنده شما دارد، صمیمانه تبریک و تهنیت عرض نموده و از خداوند متعال موفقیت روز افزون شما را آرزومندیم.

خانواده قبادیان، روشن ضمیر و مسگرزاده

اینستاگرام روزنامه مردم سالاری

مردم سالاری

www.mardomsalari\_ir

پایگاه خبری مردم‌سالاری آنلاین

www.mardomsalari.ir

روزنامه مردم سالاری

www.mardomsalari.ir/newspaper

مجموعه رسانه‌ای مردم سالاری را در فضای مجازی دنبال کنید

تازه ترین و موث‌ق‌ترین خبرها و تحلیل‌ها و گزارشها